

The Discursive Antagonism in Sūrat al-Aḥzāb: A Study Based on Selected Components of Laclau and Mouffe's Theory

Sayyed Jafar Sadeghi 

Assistant Professor, Department of Theology Education, Farhangiyān University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Corresponding Email: dr.sadeghi@cfu.ac.ir

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.493335.1418>

Article History:

Received: 2024-12-10

Revised: 2025-01-11

Accepted: 2025-01-13

Online First: 2025-06-02

Keywords

Qur'an,
Sūrat al-Aḥzāb,
discourse analysis,
Laclau and Mouffe,
nodal point.

Type of Article:

Research

Abstract: Sūrat al-Aḥzāb addresses challenging themes related to the personal life of the Prophet (PBUH), which have led to various judgments about him and have been exploited by critics of Islam. Additionally, some detractors consider the Qur'an to be incoherent and disjointed, citing the apparent diversity and fragmentation of topics in this sūrah as evidence. Despite several studies on Sūrat al-Aḥzāb, it has not yet been examined through the lens of discourse analysis—a modern linguistic approach to textual analysis. This study hypothesizes that the sūrah's numerous socio-political statements revolve around a single discursive core. Drawing on select components of Laclau and Mouffe's theory—which expands discourse from philosophy and culture into the realms of society and politics—this research aims to explain the nature of discursive antagonism in Sūrat al-Aḥzāb. Findings show that two opposing discourses were at play during the revelation of this sūrah. The hypocrites and the weak-hearted constructed a discourse of ignorance and opposition, centered on the notion of hereditary prophethood and support for the Prophet's adopted son as his successor. This discourse was reinforced by several associated nodal points. In response, the discourse of faith—backed by God, the Prophet (PBUH), and sincere believers—defended the Prophet's divine mission and role as the Seal of the Prophets, denying any hereditary or elective succession. In doing so, it preserved its hegemonic position and advanced this claim as its central nodal point.

How to cite:

Sadeghi ., Sayyed Jafar. (2025). The Discursive Antagonism in Sūrat al-Aḥzāb: A Study Based on Selected Components of Laclau and Mouffe's Theory. *Quran, Culture And Civilization* , 6 (2), 47-64. <http://doi.org/10.22034/jksl.2025.493335.1418>

@2025 by the authors. Licensee University of Quranic Studies and Sciences this article an open access article distributed under the term and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CCBY 4.0)

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>





فضای تخصیص گفتمانی در سورة احزاب؛ با بهره‌گیری از برخی مؤلفه‌های نظریه لاکلا و موفه

سید جعفر صادقی^۱

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.493335.1418>



دریافت: ۱۴۰۳-۰۹-۲۰

بازنگری: ۱۴۰۳-۱۰-۲۲

پذیرش: ۱۴۰۳-۱۰-۲۴

انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۰۳-۱۲

مقاله: پژوهشی

چکیده

سورة احزاب مضامینی چالش‌انگیز در ارتباط با مسائل شخصی پیامبر ﷺ مطرح نموده که موجب قضاوت‌هایی درباره ایشان و دست‌مایه منتقدان اسلام گردیده است. از سوی دیگر، شماری از منتقدان، قرآن را کتابی پریشان و آشفته می‌دانند که موضوعات مختلف و بی‌ارتباط را در کنار هم آورده است که تنوع و تعدد و پراکندگی ظاهری موضوعات در سورة احزاب می‌تواند مؤید این نظر باشد. علی‌رغم چندین پژوهش درباره این سورة، از منظر تحلیل گفتمان که از روش‌های جدید تحلیل متون در دانش زبان‌شناسی است، تاکنون مطالعه‌ای پیرامون آن صورت نگرفته است. گزاره‌های سیاسی اجتماعی فراوانی در سورة احزاب موجود است که طبق فرضیه این پژوهش حول محوری واحد گرد آمده است و این پژوهش در پی آن است تا با بهره‌گیری از برخی مؤلفه‌های تحلیل گفتمانی لاکلا و موفه که مشخصه آن تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه به جامعه و سیاست است، فضای تخصیص گفتمانی در سورة احزاب را تبیین کند. طبق یافته‌های این پژوهش، دو گفتمان متخاصم در موقعیت نزول سورة احزاب در صدد تضعیف هژمونی یکدیگر بوده‌اند. منافقان و بیمار دلان گفتمان نفاق و جهل را شکل داده بودند که دال مرکزی آن موروثی دانستن جایگاه پیامبر ﷺ و گرایش به نبوت فرزند خوانده ایشان به عنوان نبی بعدی بود و دیگر دال‌های این گفتمان نیز آن را تقویت می‌کرد. در واکنش به آن، گفتمان ایمان، با پشتیبانی خدا و پیامبر ﷺ و مؤمنان راستین، با تبیین جایگاه پیامبر ﷺ به عنوان فرستاده خدا و خاتم النبیین که نه موروثی و نه قابل انتخاب است، ضمن حفظ هژمونی خود، به تبیین این موضوع به عنوان دال مرکزی خود مبادرت ورزید.

واژگان کلیدی: قرآن، سورة احزاب، تحلیل گفتمان، لاکلا و موفه، دال مرکزی.

استناد به مقاله:

صادقی، سید جعفر (۱۴۰۴). فضای تخصیص گفتمانی در سورة احزاب؛ با بهره‌گیری از برخی مؤلفه‌های نظریه لاکلا و موفه. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۶(۲)، ۴۷-۶۴.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.493335.1418>



۱. استادیار گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

سوره احزاب از سوره‌های مدنی قرآن است و ۷۳ آیه دارد و در عین حال موضوعات آن متعدد و متنوع است. از جمله موضوعات این سوره تشریع احکامی درباره فرزندخواندگی وظهار، مسائل مربوط به نبردهای احزاب و بنی قریظه، مسائل زناشویی پیامبر ﷺ و موعظه زنان ایشان، طلاق همسر فرزندخوانده پیامبر ﷺ و ازدواج ایشان با وی، آیه تطهیر، تهدید کافران و منافقان و موارد دیگر است. چنین تنوع و تعدد موضوعی موجب گردیده است که برخی (نک: دروزه، ۱۴۲۱، ج ۷، ص ۳۴۵) باور داشته باشند این سوره دربردارنده فصل‌های گوناگونی است که با فواصل زمانی دور از هم نازل و بعداً در کنار هم گردآوری شده است. تلقی فقدان انسجام محتوایی این سوره و باور نداشتن وجود غرض واحد و محور مشخص گفتمانی در آن، موجب سوء فهم نسبت به برخی آیات و ناممکن بودن جمع تعارض ناشی از آن گردیده و از جمله منجر به اعتقاد به نسخ آیه ۵۲ با آیه ۵۰ شده است (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۶۵۷)؛ از آنجا که ناسخ باید از نظر زمانی متأخر از منسوخ باشد، این گفته بدین معناست که ترتیب آیات سوره در شکل فعلی آن، برخلاف ترتیب نزول طبیعی تنظیم شده است؛ نتیجه این سخن نیز فقدان انسجام سوره و نبود غرض واحد در آن است. این تلقی بر تردیدها درباره انسجام معنایی درون سوره‌ها مهر تأیید خواهد زد و تقویت‌کننده نظر شماری از منتقدان قرآن خواهد بود که به پریشانی و نبود ثبات در قرآن از لحاظ نص و متن اعتقاد دارند (نک: گلدتسیهر، ۱۳۷۴، ص ۴). این در حالی است که دیدگاه سنتی گروهی از عالمان مسلمان این است که آیات در درون سوره‌ها غالباً از انسجام طبیعی برخوردار است و ترتیب آن‌ها بر اساس سیر نزول تاریخی است (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۰۷).

از سوی دیگر، برخی با استناد به آیات همین سوره و برخی آیات دیگر، پرداختن به همسران پیامبر اکرم (ص) در قرآن را به عنوان یک مسئله برجسته در نظر گرفته و به باور خود دلایلی نیز برای آن مطرح کرده‌اند؛ برای مثال گفته‌اند که غرض قرآن متمایز کردن خانواده پیامبر ﷺ از دیگر مسلمانان بوده و این مسئله، خود ناشی از گرایش عمومی قرآن به مبالغه درباره اکثر پیامبران است (گیلیدی، ۲۰۰۲، ج ۲، ص ۱۷۶).

موضوع ویژه دیگری که در این سوره آمده و از مباحث چالش برانگیز قرآن تلقی می‌شود، طلاق همسر زید بن حارثه فرزندخوانده پیامبر اکرم ﷺ (زینب بنت جحش) و سپس ازدواج پیامبر ﷺ با اوست که به امر الهی صورت گرفت (نک: احزاب: ۳۷). در تفسیر این آیه روایات متعدد و متعارض فراوانی نقل شده است. طبق برخی نقل‌ها، فرمان مذکور را ناشی از علاقه‌ای می‌دانند که در قلب پیامبر ﷺ نسبت به همسر زید ایجاد شد (نک: بلخی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۴۹۶؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۳۱۳۷). وجود این روایات به برخی از مستشرقان کمک کرده است که شخصیت پیامبر ﷺ را از مجرای قضایات کنند که تأکید می‌کند ایشان با لغو فرزندخواندگی رایج در دوره جاهلیت، امکان ازدواج شرعی با همسر فرزندخوانده‌اش را علی‌رغم قبح و ممنوعیت آن در سنت رایج دوره جاهلی، برای خود پدید آورد و ضمن آن، مفهوم موروثی «برابری قانونی بین پسران واقعی و پسرخوانده» را از میان برداشت (هتزر، ۲۰۰۲، ص ۱۹)؛ گویی هدف پیامبر ﷺ از ابتدا نیز ازدواج با زینب بود و برای همین هم فرزندخواندگی را ممنوع کرد.

با توجه به آنچه بیان شد، ضرورت دارد به صورت روشمند و با مذاقه در مضامین سوره احزاب، نسبت به موضوعات مطرح در آن تحلیل دقیقی صورت گیرد تا اعتبار ادعاهای ذکر شده ارزیابی و اعتبارسنجی گردد. به نظر نگارنده، درهم آمیختگی مسائل مذکور با موضوعات سیاسی اجتماعی سوره، از جمله بیان مطالب مربوط به جنگ احزاب و یادکرد منافقان در میانه مسائل مربوط به شخص پیامبر ﷺ، خود نشانه‌ای است بر اینکه باید تمامیت سوره را از منظر تحلیل گفتمان سیاسی بازنگریست. از آنجا که اولاً قرآن کتابی تعاملی است که بافت متن آن در کشاکش با جامعه و غالباً در واکنش به اسبابی نازل شده و بافت موقعیت در فهم و درک معانی و مقاصد آن

اهمیت دارد، و ثانیاً روش تحلیل گفتمان مبتنی بر درک معانی لایه‌های رویین متن بر اساس لایه‌های زیرین است که ریشه در تحولات اجتماعی دارد، به نظر می‌رسد تحلیل این سوره از منظر گفتمانی می‌تواند در یافتن پاسخ پرسش‌های این پژوهش مؤثر باشد. این پژوهش در صدد آن است که به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. دالّ مرکزی و غرض محوری سوره احزاب با توجه به نظریه لاکلا و موفه چیست؟
۲. تنوع و تعدد موضوعات مطرح در سوره احزاب بیان‌کننده چیست؟
۳. وضعیت سوره احزاب از لحاظ انسجام یا عدم انسجام معنایی چگونه است؟
۲. پیشینه تحقیق

با توجه به تنوع و تعدد موضوعات سوره احزاب، برخی از پژوهشگران بر آن شده‌اند که نسبت به بررسی غرض محوری این سوره اهتمام نمایند. حکم‌آبادی و همکاران (۱۳۹۸) غرض اصلی آن را «نحوه اطاعت از خدا و پیامبر ﷺ در موضوعات سیاسی، نظامی، اجتماعی و خانوادگی، جهت تحکیم پایه‌های رهبری و امت اسلامی» عنوان کرده‌اند. سلمان‌زاده و نورایی (۱۴۰۲) نتیجه گرفته‌اند که عناصر محوری که می‌توانند غرض سوره باشند، «اطاعت از خدا و رسول و بحث منافقان و دوگانه متضاد اطاعت و عدم اطاعت» است. سومین پژوهش را حسنی حسین‌آبادی و همکاران وی (۱۴۰۰) انجام داده و اطاعت را موضوع اصلی سوره معرفی کرده‌اند. آنان تحقیق دیگری را (۱۳۹۹) با تحلیل زبانی و با تکیه بر آوا معنایی صورت داده و نتیجه گرفته‌اند که اطاعت از خدا و رسول ﷺ و اهل بیت ﷺ محور اصلی سوره احزاب است. هر چهار مقاله مذکور، از نظر روش و نتیجه با پژوهش حاضر تفاوت دارند. به جز موارد فوق، پژوهش مستقل دیگری با هدف بررسی غرض محوری سوره احزاب یافت نشد. همچنین طبق جست‌وجوهای صورت گرفته روشن شد که تاکنون هیچ پژوهشی درباره تحلیل گفتمان سوره احزاب انجام نشده است. از لحاظ روشی، پژوهش‌هایی یافت شد که سوره‌ها یا آیاتی از قرآن را بر اساس روش تحلیل گفتمان بررسی کرده‌اند. نیز طبق تفحص‌های صورت گرفته، از میان موارد مزبور تنها مورد متکی بر نظریه لاکلا و موفه مقاله تقوی (۱۳۹۷) با موضوع «تحلیل گفتمان شیوه‌های گفتاری سران قریش با پیامبر ﷺ در دوره مکی» بود.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از پاره‌ای از مؤلفه‌های نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، از جمله فضای تخصیص، دالّ مرکزی، مفصل‌بندی دالّ‌ها و روش‌های هژمونی کردن گفتمان، با رویکرد توصیفی تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد. یکی از رویکردهای اصلی در تحلیل گفتمان، رویکرد «لاکلا و موفه» است. ارنستو لاکلا^۱ (۲۰۱۴-۱۹۳۵م) آرژانتینی و همسرش شانتال موفه^۲ (زاده ۱۹۴۳م) اهل بلژیک، دو نظریه‌پرداز سیاسی طلایه‌دار این نظریه هستند. این رویکرد با استفاده از شماری اصطلاح و مفهوم، به تحلیل گفتمان می‌پردازد. لذا متن سوره به عنوان بافت متن و روایات مرتبط با متن و نیز شواهد مستنبط از آیات به عنوان بافت موقعیت مبنای تحلیل قرار گرفته و از برداشت‌های مفسران نیز به عنوان مؤید استفاده شده است.

۴. فضای تخصیص و مفصل‌بندی دالّ‌های گفتمان‌ها در سوره احزاب

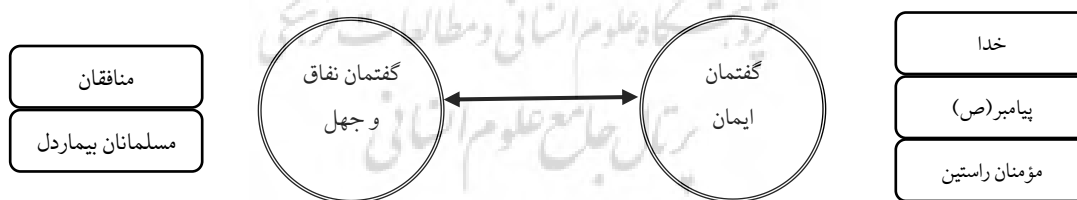
بررسی بافت متن، شامل متن سوره احزاب، و بافت موقعیت که غالباً مبتنی بر روایات ذکر شده ذیل آیات این سوره است، نشان‌دهنده وجود دو گفتمان فعال در موقعیت نزول این سوره است که با هم رابطه غیریت و تضاد جدی دارند.

1. Ernesto Laclau.
2. Chantal Mouffe.

۴-۱. معرفی گفتمان‌ها

الف) گفتمان ایمان: این گفتمان از زمان بعثت پیامبر ﷺ در حجاز پدید آمد و رأس آن خدا و سپس خود پیامبر ﷺ است. عده‌ای از مسلمانان نیز که به خدا و پیامبر ﷺ ایمان راستین داشتند، پای ثابت این گفتمان بودند. در سوره احزاب، به جز خدا و رسول، از این مؤمنان نیز به نیکی یاد شده و با تعبیر مطلق «المؤمنون» (احزاب: ۲۲)، آنان را به خاطر اینکه در شرایط سخت نبرد احزاب به وعده‌های خدا و پیامبر ﷺ ایمان داشتند، ستایش کرده و با مضمون «صادق» وصف نموده است (احزاب: ۲۳). مؤمنان راستین همواره به عنوان حامی گفتمان ایمان حضور داشته‌اند؛ چه در شرایط ضعف غلبه گفتمان ایمان در برابر گفتمان کفر در مکه (نک: أنعام: ۵۲) و چه در دوران غلبه گفتمان ایمان در مدینه (نک: حشر: ۸-۱۰).

ب) گفتمان جهل و نفاق: پشتیبانان این گفتمان در موقعیت نزول سوره احزاب، عمدتاً دو گروه را شامل می‌شوند. گروه نخست منافقان بودند. نفاق در مکه بیشتر شکل فردی داشت و افرادی را دربرمی‌گرفت که به مجرد آزار دیدن از سوی مشرکان، از ایمان خود دست برمی‌داشتند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۴۲). این عده معدود بودند؛ چون ایمان آوردن به خاطر ضعف مسلمانان امتیازی نداشت. اما نفاق در مدینه شامل جریانی تشکل‌یافته می‌شد که علی‌رغم پابندی قلبی به عقاید پیشین جاهلی، تظاهر به ایمان می‌کردند و درحقیقت قلبشان از ایمان تهی بود؛ لذا نفاق به این معنا در مدینه پدیدار شد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۰۶). در ادبیات قرآنی، از عده دیگری با عبارت «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» یاد شده است (برای نمونه نک: محمد: ۲۹) که افرادی جز منافقان هستند. اینان مسلمانان ضعیف‌الایمانی بودند که به خاطر ضعف باور و تزلزل اعتقاد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، صص ۵۲۵-۵۲۶) در شرایط دشوار، ایمان از کف می‌دادند و در کنار منافقان قرار می‌گرفتند و به‌سادگی نیز از سوی آنان تحریک می‌شدند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۲۴۲). تعبیر «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» در مجموع دوازده مرتبه در سراسر قرآن به کار رفته که یک‌چهارم آن در سوره احزاب است و پراکندگی آن در اوایل و اواسط و اواخر سوره (نک: احزاب: ۱۲، ۳۲ و ۶۰) خود نشانه‌ای بر وحدت سیاق در کل سوره است. شناخت منافقان و بیمارزدلان از مؤمنان راستین، در شرایط دشواری مانند نبردهایی که شواهد ظاهری به زیان جریان ایمان است، رخ می‌نماید و قرآن از آن به عنوان «فتنه» یاد می‌کند (نک: عنکبوت: ۲؛ محمد: ۲۹). نمودار زیر، نشان‌دهنده موقعیت دو گفتمان متخاصم بر اساس سوره احزاب است:



۴-۲. توصیف فضای تخصص گفتمانی

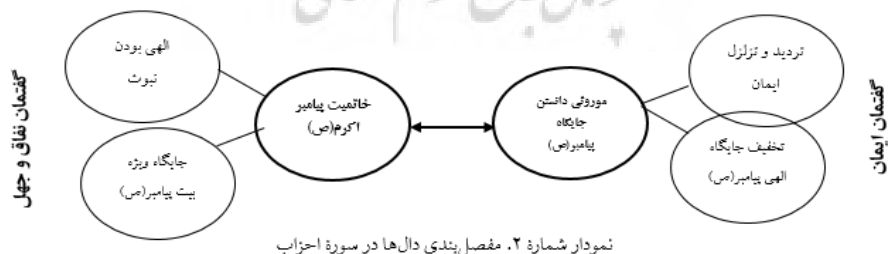
آنچه موجب تمایز تحلیل گفتمان لاکلا و موفه از دیگر نظریات گفتمانی می‌شود، تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه به جامعه و سیاست است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۹۴). یکی از مؤلفه‌های اساسی در این نظریه، بحث فضای تخصص و غیریت است. گفتمان‌ها در غیریت^۱ و ضدیت^۲ با یکدیگر پدید می‌آیند و هویت می‌یابند. هویت فردی سوژه‌ها و هویت گروه و درنهایت هویت گفتمان، به اصل تقابل خودی غیرخودی وابسته است (کسرای و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۸).

1. otherness.
2. antagonism.

گفتمان ایمان از ابتدای ظهور در شهر مدینه در تقابل با گفتمان نفاق و جهل قرار گرفت و در مقابل آن راهبرد خود را بر این مبنا شکل داد که ایمان، تنها به زبان نیست و تنها هنگامی پذیرفته است که صادقانه باشد (عنکبوت: ۳). تأکید بر جنبه‌های صداقت در رفتار و گفتار که تبلور ایمان قلبی است، موجب گردید که میان این گفتمان و گفتمان مقابل مرزی برجسته مشخص شود. بر این جنبه‌ها به‌ویژه در سوره احزاب تأکید شد و با توصیف ویژگی‌های ایمان واقعی، میان این گفتمان و گفتمان مقابل مرزبندی گردید. تصریح به صداقت در ایمان در این سوره، دست‌کم دومرتبه با استفاده از کلیدواژه مشتق از «صدق»، بیانگر این موضوع است (نک: احزاب: ۲۲-۲۳ و ۳۵). ظهور گفتمان ایمان در مدینه، به نمایان شدن خصوصیات منافقانه عده‌ای منجر شد. پاره‌ای از این ویژگی‌ها ریشه در باورهای جاهلی آنان داشت؛ لذا این روند، در زمانی اندک، گفتمان نفاق و جهل را در برابر گفتمان ایمان شکل داد و فضایی متخاصم پدید آمد. نمونه بارز منازعات این دو گفتمان در سوره احزاب، مربوط به بازگویی رفتار باورمندان به هر دو گفتمان در جنگ احزاب است؛ گفتمان نفاق و جهل تلاش می‌کند با زیر سؤال بردن مبانی گفتمان ایمان بر آن غلبه کند و در سوی دیگر، گفتمان ایمان با یادآوری وعده خدا و پیامبر (ص) در صدد است غلبه خود را حفظ نماید (نک: احزاب: ۱۲-۳).

اساسی‌ترین مفهوم در نظریه لاکلا و موفه که دیگر مفاهیم پیرامون آن شکل می‌گیرد، «دال»^۱ است. دال عبارت از اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی است که در چهارچوب گفتمانی خاص بر معانی خاصی دلالت دارد. هر گفتمان دارای یک دال مرکزی است که دال‌های دیگر اعم از دال‌های شناور و عناصر و ابعاد حول آن جمع و به اصطلاح «مفصل‌بندی»^۲ می‌شوند. طبق رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه، گفتمان‌ها در درون خود، عناصر و رفتارهایی از تمام بخش‌های جامعه را دارند. گردآوری اجزا و عناصر مختلف و ترکیب آن‌ها در هویتی جدید، همان عملی است که در رویکرد مذکور به آن «مفصل‌بندی» گفته می‌شود (استوکر و مارش، ۱۳۷۸، صص ۲۰۱-۲۰۳). لذا مفصل‌بندی به هرگونه عملی اطلاق می‌شود که رابطه‌ای را میان مؤلفه‌ها تثبیت کند؛ به گونه‌ای که هویت آن‌ها در پی مفصل‌بندی دچار تغییر گردد. کلیت ساختاریافته ناشی از این عمل نیز همان گفتمان است (استوکر و مارش، ۱۳۷۸، ص ۱۰۵).

دال‌های گفتمان ایمان در سوره احزاب که در واکنش به دال‌های گفتمان نفاق و جهل تکوین یافته، عبارت است از: تبیین الهی بودن جایگاه رهبری پیامبر ﷺ، جایگاه ویژه خانواده پیامبر ﷺ و خاتمیت ایشان. مورد اخیر، دال مرکزی است. دال‌های گفتمان نفاق و جهل را می‌توان از بافت موقعیت دریافت که شواهد آن، هم در متن سوره احزاب و هم در روایات بازتاب دارد. بر این اساس، دال‌های گفتمان نفاق و جهل چنین است: تردید و تزلزل ایمان، تخفیف جایگاه الهی پیامبر ﷺ و همچنین موروثی دانستن جایگاه ایشان. در اینجا نیز سومین مورد، دال مرکزی است.



۵. تجزیه و تحلیل دال‌های گفتمان نفاق و جهل

دال نخست گفتمان نفاق و جهل، «تردید و تزلزل ایمان» است. طبق این دال، منافقان و مؤمنان بیماردل در جریان نبرد احزاب، با

1. signifier.
2. articulation.

مشاهده شوکت قوای دشمن، درباره وعده نصرت پیامبر ﷺ تردید کردند و آن وعده را فریب نامیدند؛ تا جایی که ممکن بود از دین و ایمان برگردند و مرتد شوند (احزاب: ۱۴-۱۰). درباره علت قرار گرفتن آیات مربوط به نبرد احزاب در میانه آیاتی که غالباً به مسائل مربوط به پیامبر ﷺ و ازدواج او ارتباط دارد، اغلب مفسران سکوت کرده‌اند. یکی از مفسران اجمالاً این آیات را با خطاب ابتدای سوره هم‌سیاق عنوان کرده است (حَوّی، ۱۴۲۴، ج ۸، ص ۴۳۹۰). مفسری دیگر مضامین این آیات را در رابطه با عبارت «وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا» در ابتدای سوره دانسته و امدادهای غیبی مطرح شده در ماجرای جنگ را ناشی از وکیل بودن خداوند عنوان نموده است (قرشی بنایی، ۱۳۷۵، ج ۸، ص ۳۵۲). اما توجه به سیاق کلی سوره نشان‌دهنده ارتباط این موضوع با دیگر موضوعات ذکر شده در آن است؛ از جمله آنکه در جریان ازدواج پیامبر ﷺ با همسر پیشین زید نیز، عده‌ای با تردیدافکنی درباره نیت پیامبر ﷺ در صدد بودند اقدام ایشان را با هدف ارضای میل شهوانی بدانند. آثار چنین سخنانی در روایات نیز باقی مانده است (نک: ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۳۱۳۷). این روایات طبق برخی پژوهش‌ها، احتمالاً تحت تأثیر داستان‌های یهودی مسیحی درباره ازدواج فریب‌کارانه حضرت داود ﷺ با همسر یکی از سردارانش شکل گرفته است (گورکه، ۱۴۰۲، ص ۱۷). همین عده در جریان مسائل مربوط به خانواده پیامبر ﷺ و مؤمنان نیز عملاً ائتلاف کردند و به آزار پیامبر ﷺ و شایعه‌پراکنی پرداختند. در مجموع، این دالّ بیانگر تردیدافکنی در میان مردم درباره حسن نیت و صداقت پیامبر ﷺ است.

دالّ دیگر مربوط به تخفیف جایگاه پیامبر ﷺ از طریق هجوم به منزلت اجتماعی خانواده ایشان و مؤمنان راستین است. گروه بیمارمدلی که در نبرد احزاب با منافقان همراه بودند، در سیاق آیات مربوط به همسران پیامبر ﷺ نیز با همان وصف، یعنی «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» یاد شده‌اند. آنها در این سیاق، از نحوه سخن گفتن همسران پیامبر ﷺ به طمع می‌افتادند (احزاب: ۳۲). در همین سیاق همسران پیامبر ﷺ از «تبرّج» که رفتاری جاهلی برای خودآرایی بود، نهی شده‌اند (احزاب: ۳۳). می‌توان دریافت که رفتارهای برخی از همسران پیامبر ﷺ نیز در تقویت این دالّ مؤثر بوده است؛ چه اینکه قرآن به صراحت برخی از آنان را دارای انحراف قلبی دانسته است (تحریم: ۴) و گرچه دامن آنان به فحشا آلوده نشد (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۵۲)، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که برخی از آنان چنان معرفت و تربیت والای دینی نداشتند و از خطا و اشتباه مصون نبودند (صابر مولایی، ۱۴۰۲، ص ۱۷۸). به همین دلیل، در سوره احزاب به صراحت از آنان خواسته شده که یا با خدا و پیامبر ﷺ او باشند، یا راه خود را جدا سازند (احزاب: ۲۸-۲۹).

ایجاد محدودیت در مواجهه مردم با همسران پیامبر ﷺ نتیجه برخی رفتارهای ناشی از بینش‌ها و نگرش‌های جاهلی بود که کلیدواژه «الجاهلیة الأولى» در این سیاق (احزاب: ۳۳) مؤید آن است. این افراد همچنین با حضور بی‌دعوت در منزل پیامبر ﷺ و گفت‌و شنود با همسران آن حضرت و رعایت نکردن حریم شخصی آن‌ها، موجب آزار پیامبر ﷺ می‌شدند (احزاب: ۵۳)؛ تا جایی که برخی گفته بودند بعد از رحلت پیامبر ﷺ با همسران حضرت ازدواج خواهند کرد (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۵۰۴؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، صص ۳۵۷-۳۵۸). این رفتارها که ناشی از سوءاستفاده این افراد از حیای پیامبر ﷺ بود (احزاب: ۵۳)، موجب آزار روحی ایشان و تخفیف شخصیت الهی و سیاسی پیامبر ﷺ می‌گردید.

آزاررسانی بیمارمدلان، هرگاه با جریان نفاق همراه می‌شدند، از حد مرادوات جهل‌بنیان فراتر می‌رفت و به آزار هدفمند پیامبر ﷺ و مؤمنان راستین می‌انجامید. در همین سوره به ائتلاف سه گروه منافقان و بیمارمدلان و شایعه‌پراکنان با هدف مذکور تصریح شده است: «لَنْ يَنْتَهِيَ الْمُنافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا: اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان مرضی هست و شایعه‌افکنان در مدینه، [از کارشان] بازنايستند، تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم؛ تا جز [مدتی] اندک

در همسایگی تو نپایند» (احزاب: ۶۰). در این آیه، بیمار دلی تنها با طمع توصیف نشده، بلکه طبق تصریح مفسران، اینان به دنبال فحشای عملی بودند. شماری از مفسران تابعی، بیمار دلانی را که در این آیات از آن‌ها سخن به میان آمده است، مؤمنانی می‌دانند که غالباً با عناوینی مانند «أصحاب الزنا، أصحاب الفواحش» و مواردی این‌گونه توصیف شده‌اند؛ به این معنا که آنان از راه فحشا به دنبال زنان بودند (نک: طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۲، ص ۳۴؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۳۱۵۶).

دالّ مرکزی گفتمان نفاق و جهل، بر مسئله رهبری جامعه و جانشینی پیامبر ﷺ تمرکز دارد و از سوی دو دالّ دیگر تقویت می‌شود. به عبارت دیگر، تخفیف جایگاه پیامبر ﷺ از رهبری الهی به یک رهبر صرفاً سیاسی اجتماعی و تردید در صداقت و اعتبار ارتباط او با وحی، زمینه را مهیا می‌کرد تا موضوع رهبری آینده جامعه، از سازوکار الهی به فرایند رایج قبیله‌ای تبدیل شود و تقلیل یابد. طبق سنت جاهلی، پس از مرگ رئیس، فرزند ارشد ذکور به عنوان وارث او به ریاست می‌رسید و تنها در صورتی که وارثی نداشت یا اختلافی در میان اعضای خانواده رئیس درباره ریاست به وجود می‌آمد، عرب‌ها بر اهمیت مشورت و رأی‌گیری تأکید می‌کردند (علی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۲۳۷). از آنجا که پیامبر ﷺ در آن مقطع زمانی فاقد فرزند ذکور بود، در افواه عمومی سخن از جانشینی فرزندخوانده ایشان، زید فرزند حارثه بن شراحیل بود. وی قبل از بعثت غلام خدیجه ﷺ بود و خدیجه ﷺ پس از ازدواج با پیامبر ﷺ، زید را به ایشان بخشید. پیامبر ﷺ هم او را آزاد و فرزندخوانده خود کرد. زید نیز پس از امام علی ﷺ به عنوان دومین مسلمان مرد، به نبوت پیامبر ﷺ ایمان آورد (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، صص ۲۴۷-۲۴۸؛ ابن سعد، بی‌تا، ج ۳، صص ۴۰-۴۱). لذا قانون تبّی یا فرزندخواندگی که ریشه در جاهلیت داشت، اجازه می‌داد شخص کسی غیر از پدر خود را پدر خویش بخواند و مردان مجاز بودند پسرانی را از خانواده و از صلب دیگری، فرزند خود بنامند (علی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۲۴). تمام احکام محرمیت و ازدواج و ارث نیز درباره فرزندخوانده، همانند پسر صلبی، جاری می‌گردید (نصیریان، ۱۳۷۳، ص ۵۳). بر این اساس مردم زید را «زید بن محمد» می‌نامیدند (ابن سعد، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۱۸) و به زعم عموم، این ارتباط برای او موجب حق وراثت در ریاست سیاسی نیز می‌گردید؛ چنان‌که به صراحت می‌گفتند: اگر پیامبر ﷺ فرزند ذکور داشت، قطعاً نبیّ و رسول می‌شد؛ پس اگر زید پسر محمد ﷺ بود، بی‌تردید نبیّ می‌شد (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۴۹۹). تبعات تقویت شدن این دالّ، هژمونیک شدن گفتمان نفاق و جهل و سپس بازگشت مسئله رهبری به سنت جاهلی و بشری جلوه دادن آن در امتداد رهبری پیامبر ﷺ بود.

۶. روش‌های هژمونیک کردن گفتمان ایمان در سورة احزاب

هیچ‌یک از گفتمان‌ها پدیده‌های بسته نیستند و تماس با دیگر گفتمان‌ها موجب تغییر آن‌ها می‌شود. هر گفتمانی که روش خاصی برای گفت‌وگو درباره جهان اجتماعی و فهم آن در اختیار ما می‌نهد، برای آنکه معانی زبان را تثبیت و آن را «هژمونیک»^۱ کند، به روش موردنظر خود با دیگر گفتمان‌ها در حال کشمکش است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۳، ص ۲۶). در صورتی که مدلول خاصی به یک دالّ مرتبط شود و درباره معنایی خاص برای یک دالّ در اجتماع توافق صورت گیرد، آن دالّ مسلط می‌شود و معنای آن در سطحی گسترده از سوی همگان پذیرفته می‌گردد. چنین وضعیتی را که کل یک گفتمان پذیرفته و بدیهی قلمداد می‌شود، «هژمونی» می‌نامند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۳، ص ۹۳). رویکرد لاکلا و موفه در تحلیل گفتمان، روش‌های هژمونیک کردن یک گفتمان را در چند عامل ذکر کرده است که با تحلیل سورة احزاب، می‌توان این عوامل را بر اساس بافت متن در رفتارهای هژمونیک گفتمان ایمان چنین بیان کرد:

۶-۱. طرد و برجسته‌سازی

در فرایند طرد و برجسته‌سازی، گفتمان‌ها تلاش می‌کنند ضمن طرد و به حاشیه راندن برتری‌های گفتمان متخاصم، نقاط قوت خود را

1. Hegemony.

برجسته کنند (مقدمی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۴). مهم‌ترین واکنش‌های هژمونیک گفتمان ایمان به کنش‌های گفتمان نفاق و جهل در موقعیت سوره احزاب چنین است:

الف) یادآوری خاطره نبرد احزاب و بازنمایی چهره منافقان و بیماردلان در آن که با تردیدافکنی در وعده خدا و پیامبر ﷺ، به تضعیف جبهه اسلام می‌پرداختند و برای حضور نیافتن در جنگ بهانه‌تراشی می‌کردند. قرآن تصریح می‌کند که این دو گروه در صورت ورود دشمن به شهر، از دین و ایمان برمی‌گشتند و مرتد می‌شدند: «وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سَأَلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا» (احزاب: ۱۴). در حالی که اعتماد به وعده مذکور و پایمردی مؤمنان راستین که در ایمان خود صادق بودند (احزاب: ۲۲-۲۴)، موجب شد خداوند در دل دشمنان رعب افکند و پیروزی در جنگ همراه با غنایم فراوان نصیب مسلمانان شود (احزاب: ۲۲-۲۷). بیان مسئله آزار پیامبر ﷺ و مؤمنان از سوی منافقان و افراد بیماردل از طریق شایعه‌پراکنی علیه خانواده پیامبر ﷺ و مؤمنان راستین (احزاب: ۵۷-۶۲)، بر اساس خاطره آن نبرد قابل تحلیل است. بیماردلان شب‌ها در کوچه‌ها راه می‌رفتند و چون زنی را می‌دیدند، به او چشمک می‌زدند و در جست‌وجوی کنیزان بودند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۸۰). با وجود این، شایعه‌پراکنان به اهل صفه که شامل گروهی از مؤمنان مجرد بودند، تهمت ارتباط نامشروع با زنان می‌زدند (فراء، ۱۹۸۰م، ج ۲، ص ۳۴۹). قرآن ضمن تهدید این گروه‌ها و به موازات توصیه به زنان پیامبر ﷺ و دیگر زنان مؤمن مبنی بر رعایت پوششی که موجب تمایز آن‌ها از کنیزان شود و بهانه آزاررسانی را از دست این گروه بگیرد (احزاب: ۵۹)، در این باره روشنگری کرده و به طرد گفتمان متخاصم و برجسته کردن گفتمان ایمان پرداخته است.

ب) تبیین جایگاه خانواده پیامبر ﷺ. آیات سوره احزاب با طرد تلقی‌های جاهلی درباره جایگاه پیامبر ﷺ، خانواده ایشان را به دلیل الهی بودن امر نبوت و انتساب آنان به این عنوان، متفاوت از دیگران ذکر کرده است؛ لذا از یک‌سو همسران پیامبر ﷺ در یک دوراهی مخیر می‌شوند که بین جدا شدن از آن حضرت و رهایی از مسئولیت‌ها و محدودیت‌های ویژه و ادامه زندگی با ایشان و قبول محدودیت‌ها، یکی را انتخاب کنند (احزاب: ۲۸-۲۹). علاوه بر اینکه ارتکاب فحشا برای آنان مجازات مضاعف خواهد داشت (احزاب: ۳۰)، در مراودات اجتماعی نیز نسبت به دیگر زنان محدودتر خواهند شد (احزاب: ۳۱-۳۴) و همه این موارد به دلیل جایگاه خاص آنان در جامعه است. گره خوردن مسئله نحوه سخن گفتن آنان با بیماردلانی که ممکن است به طمع بیفتند (احزاب: ۳۲)، آشکارا نشان می‌دهد که رفتار و گفتار خانواده پیامبر ﷺ می‌توانست مجرا و مسیری برای خدشه در جایگاه نبوت باشد. ممنوعیت ازدواج با زنان پیامبر ﷺ پس از رحلت ایشان به عنوان حکمی ابدی، از جمله موارد ویژه‌ای است که به روشنی بر طرد ویژگی‌های گفتمان جاهلی و به عنوان واکنشی به سخنان برخی از صحابه در این باره، برجسته می‌شود: «وَلَا أَن تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِن بَعْدِهِ أَبَدًا» (احزاب: ۵۳)؛ زیرا بعضی به عنوان انتقام‌جویی و توهین به ساحت مقدس پیامبر ﷺ این‌گونه تصمیم گرفته بودند و از این راه می‌خواستند بر حیثیت آن حضرت ضربه وارد کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۴۰۴)؛ کما اینکه امر به ورای پرده رفتن زنان پیامبر ﷺ در زمانی که افراد نامحرم در منزل ایشان هستند (احزاب: ۵۳)، حکمی مختص همسران پیامبر ﷺ و در جهت رعایت کرامت بیت رسالت بوده است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۴، ص ۱۹۲).

ج) برجسته‌سازی الهی بودن نبوت و اعلام خاتمیت پیامبر ﷺ به موازات طرد نگرش جاهلانه درباره فرزندخواندگی (تبی). طرح این موضوع در آن زمان و مکان و موقعیت، واکنشی در مقابل مسئله جانشینی پیامبر ﷺ بود. در آیات متعدد و با مضامین مختلف اما همسو، تأکید ضمنی بر این مطلب است که نبوت امری نیست که همانند ریاست قبیله در میان اعراب، به وراثت موکول شود. لذا همزمان با اعلام اینکه پیامبر ﷺ پدر هیچ‌یک از مردان آن‌ها نیست: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ» (احزاب: ۴۰)، بر ویژگی الهی بودن جایگاه او با ذکر عبارت «وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ: لیکن او فرستاده خداست» (احزاب: ۴۰) تأکید و این گزاره برجسته می‌شود. برجسته‌سازی الهی بودن

جایگاه پیامبر ﷺ، در آیات متعددی از همین سوره دیده می‌شود؛ از جمله اینکه تشریع احکام و اوامر از سوی خدا متوقف بر خواست خود پیامبر ﷺ نیست و کار او در حقیقت ابلاغ رسالت الهی است (أحزاب: ۳۸-۳۹). در آیه مربوط به ازدواج پیامبر ﷺ با همسر پیشین زید، تأکید شده است که این حکم بدان منظور است که دیگر مؤمنان هم مجاز به چنین ازدواج‌هایی باشند. شماری از عالمان غرض غایی را همین دانسته‌اند (نک: قاضی عیاض، ۱۹۸۴م، ص ۸۸۱)؛ اما این لزوماً بدین معنا نیست که این ازدواج غیر از تأمین هدف مذکور، علل دیگری نداشته باشد (آرمین، ۱۴۰۰، صص ۱۹۳-۱۹۴). به نظر می‌رسد مجاز شدن ازدواج با همسران مطلقه فرزندخوانده‌ها، نتیجه‌ای است که باید از این آیات گرفت؛ وگرنه اولاً این حکم فی نفسه چنان مسئله مهمی نبود که فراتر از دیگر احکام باشد و حیثیت اجتماعی پیامبر ﷺ به مراتب، اهمیت بسیار فزون‌تری در برابر این موضوع داشت و همانند بسیاری از مواردی که صرفاً با ابلاغ قرآن، سنت‌ها و باورهای دوره جاهلی لغو شد، در اینجا نیز امکان لغو تبّی و ازدواج با همسر مطلقه فرزندخوانده، از طریق ابلاغ حکم میسر بود. لذا لزومی نداشت که شخص پیامبر ﷺ درگیر آن شود و حیثیت اجتماعی ایشان در مظان اتهام قرار گیرد؛ تا جایی که کار به خشیت از مردم برسد و پیامبر ﷺ از آن نهدی شود. لذا لغو تبّی و در پی آن ازدواج پیامبر ﷺ با همسر مطلقه زید، باید برای امری صورت می‌گرفت که ارزش چنین هزینه‌ای را داشته باشد و به نظر می‌رسد مسئله رهبری از چنین ارزشی برخوردار بود.

۲-۶. عاملان سیاسی^۱

این مفهوم به شیوه‌هایی اشاره دارد که افراد به عنوان عاملان اجتماعی عمل می‌کنند. سوژه به عنوان عامل سیاسی دست به عمل سیاسی می‌زند. عاملان سیاسی در تلاش برای حاکم ساختن گفتمان خود، هژمونی گفتمان متخاصم را به چالش می‌کشند. عاملیت و سوژگی، نقشی تعیین‌کننده در رقابت‌های هژمونیک میان گفتمان‌های متخاصم دارد و به همین سبب در تحلیل گفتمان، عاملان سیاسی نقشی تعیین‌کننده در دست‌یابی گفتمان به موقعیت هژمونیک ایفا می‌کنند (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۲، ص ۹۶). در سوره احزاب، عاملان سیاسی چنین معرفی شده‌اند:

الف) از آنجا که گفتمان نفاق و جهل در صدد معرفی جانشینی برای پیامبر ﷺ بر اساس سازوکار سنت جاهلی بود، قرآن پس از الغای تبّی، زید را فاقد هرگونه ارتباط نسبی با پیامبر ﷺ معرفی کرد تا زمینه ایجاد شده برای بحث جانشینی را از میان بردارد و موقعیت هژمونیک گفتمان ایمان را که پایه در جایگاه الهی پیامبر ﷺ دارد، حفظ نماید؛ لذا تصریح می‌کند که پیامبر ﷺ اساساً پدر هیچ‌یک از مردان آن‌ها نیست: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ» (أحزاب: ۴۰). نتیجه این سخن این است که زید فرزند واقعی پیامبر ﷺ نیست و ازدواج ایشان با همسر پیشین زید بلاشکال بوده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۶۶). در شماری از نقل‌ها چنین تداعی می‌شود که پیامبر ﷺ مأمور شده بود از زید بخواهد که همسرش را طلاق دهد تا او به عقد پیامبر ﷺ درآید (نک: ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۸۴۹)؛ اما بین طلاق زید و ازدواج پیامبر ﷺ با همسر او، حدوداً یک تا دو سال فاصله زمانی وجود داشت و خشیت پیامبر ﷺ از سخنان منافقان و بیماردلان و شایعه‌فکنان، درباره اصل مسئله ازدواج با همسر پیشین فرزندخوانده بود (آرمین، ۱۴۰۰، ص ۱۹۷). همچنین چون زید فرزند واقعی پیامبر ﷺ نبود، اصولاً حتی بر اساس تلقی سنت عرب، او شایستگی جانشینی پیامبر ﷺ را هم نداشت. ضمن آنکه تعظیم پیامبر ﷺ و اطاعت از او، نه به سبب رابطه نسبی با آنان، بلکه ناشی از جایگاه نبوت او بود (آرمین، ۱۴۰۰، ص ۱۹۷). در این ماجرا، قرآن به‌صراحت از «زید» با نام علم او یاد کرده است: «فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاهَا» (أحزاب: ۳۷). شیوه رایج قرآن آن است که عموماً از معاصران نام نمی‌برد و بر روی رفتارها و گفتارها و صفات آن‌ها متمرکز می‌گردد. این ویژگی قرآن است که به جای

نقل وقایع، به آن‌ها اشاره می‌کند و آوردن نام «زید» امری استثنائی است.^۱ تردیدی نیست که این اقدام، گام مهمی در بحث معرفی عاملیت سیاسی او بود تا مسئله نفی جانشینی وی در افکار عمومی کاملاً جا افتد و به تعبیر دیگر، هر جریانی در آینده هم قصد برنامه‌ریزی برای جانشینی داشت، زید مهره‌ای سوخته محسوب شود و افکار عمومی در مقابل آن جریان قد علم کند.

ب) همسران پیامبر ﷺ همگی «امهات المؤمنین» نامیده شده‌اند، تا اولاً مسئله ازدواج پیامبر ﷺ با همسر پیشین زید امری مشروع معرفی شود و هم تحریم ازدواج با آنان عاملیتشان را در مباحث سیاسی تبیین کند؛ اینکه اولاً همسر پیامبر بودن امتیاز نیست، بلکه محدودیت‌های زیادی دارد و ثانیاً راه هرگونه بهره‌برداری بعدی از مسیر آنان در نیل به اهداف سیاسی بسته شود.

ج) عاملیت سیاسی شخص پیامبر ﷺ در این سوره به نحوی مطرح شده است که در کنار نفی تبنی و حق وراثت ناشی از آن، جایگاه پیامبر ﷺ به عنوان فرستاده خدا و برخوردار از منزلت الهی تثبیت شود تا امکان تعیین جانشین از سوی غیر خدا منتفی گردد؛ گذشته از آنکه سوره با عبارت «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ» (احزاب: ۱) آغاز شده است که تأکیدی بر نبوت اوست. در آیه بعد نیز با فرمان «وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (احزاب: ۲) تلویحاً یادآوری شده که ایشان پیامبر الهی و تابع وحی است. در این سوره تعبیری نو و متفاوت برای پیامبر ﷺ به کار رفته است که عادی و اکتسابی و قابل انتقال به صورت موروثی یا انتخابی نیست؛ از جمله اینکه پیامبر ﷺ «شاهد و مبشر و نذیر» معرفی شده است (احزاب: ۴۵).^۲ افزون بر این، قرآن از آن حضرت به نام یاد کرده و ایشان را «رسول الله» خوانده است: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ» (احزاب: ۴۰). این بدان معناست که جایگاه او صرفاً ریاست اجتماعی یا سیاسی جامعه نیست و مشروعیت او الهی است. عموم مفسران از کنار این موضوع به سادگی رد شده و بدان توجه کافی نداشته‌اند؛ به‌ویژه آنکه همانند نام بردن از زید، قرآن در این بافت از پیامبر ﷺ نیز با نام علم ایشان یعنی «محمد» یاد کرده است؛ در حالی که نام بردن از ایشان با این اسم در قرآن محدود است (برای موارد دیگر نک: آل عمران: ۱۴۴؛ محمد: ۲؛ فتح: ۲۹). همچنین برای نخستین و تنها مورد، پیامبر ﷺ به عنوان «خاتم النبیین» معرفی شده است. این یادکرد تردیدی به جا نمی‌گذارد که هدف، نفی دالّ مرکزی گفتمان نفاق و جهل مبنی بر تداوم نبوت همانند ریاست در عرب و تأکید بر دالّ مرکزی گفتمان ایمان بوده است.

۳-۶. دسترسی

قابلیت دسترسی به معنای این است که گفتمان قادر باشد در شرایط بی‌نظمی و آشفتگی نظم نو ایجاد کند و خود را در دسترس مردم قرار دهد. نیاز به نظم در شرایط بی‌نظمی اهمیت فراوان دارد؛ زیرا غلبه و هژمونی گفتمان، وابسته به منسجم کردن مردم در شرایط و دنیای آشفته است. در شرایط بی‌نظمی، نیاز به نظم از همه چیز مهم‌تر است (لاکلا، ۱۹۹۴م، ص ۳).

القائات و شایعه‌پراکنی گفتمان نفاق و جهل در جریان نبرد احزاب (نک: احزاب: ۱۲-۱۳) و درباره همسران پیامبر ﷺ و مؤمنان که در مورد اخیر با همراهی «مرجفون» (نک: احزاب: ۶۰) صورت می‌گرفت، در صدد تضعیف هژمونی گفتمان ایمان بود. ریشه «رجف» به معنای لرزش و اضطراب و «مرجف» کسی است با انتشار اخبار، موجب پریشانی جامعه (نک: ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۱۲) و در نتیجه ایجاد بی‌نظمی در افکار عمومی می‌شود. پیامبر ﷺ برای حفظ هژمونی ایمان و مقابله با حملات تبلیغاتی گفتمان متخاصم برترین ابزار را در اختیار داشت. قرآن به عنوان وسیله ارتباط پیامبر ﷺ با خداوند و مردم، به‌خودی‌خود مهم‌ترین عامل حفظ هژمونی گفتمان ایمان بود؛ با این حال، سورة احزاب در چند گزاره به صورت خاص، انسجام موجود در جامعه با محوریت ایمان را حفظ کرد:

۱. تنها نام دو نفر از معاصران پیامبر ﷺ به جز خود ایشان در قرآن آمده است. زید یکی از آن‌هاست و دیگری ابولهب است (گورکه، ۱۴۰۲، ص ۱۲).

۲. این مضامین در آیه ۸ سورة فتح نیز آمده، اما سورة فتح پس از سورة احزاب نازل شده است.

الف) باز نشر سخنان منافقان و بیماردلان در جریان نبرد احزاب، موجب زنده کردن خاطره آن نبرد در افکار عمومی شد (نک: احزاب: ۲۷-۹).

ب) تأکید شد که آنچه پیامبر ﷺ انجام می‌دهد، صرفاً وحی الهی است و او خود در این رابطه اختیاری ندارد؛ لذا درباره ازدواج با همسر پیشین زید، او صرفاً مأمور انجام امر الهی است. پیامبر ﷺ به خاطر جایگاهی که دارد، درباره ازدواج با زنان، هم از امتیازاتی برخوردار است و هم محدودیت‌هایی دارد که هر دو از جانب وحی تعیین شده است؛ چندان که از زمان ابلاغ این محدودیت، حتی اگر زیبایی زنی او را به اعجاب افکند، حق ازدواج ندارد (احزاب: ۵۲). درواقع در آیه «إِنَّا أَخْلَلْنَا لَكَ...» (احزاب: ۵۰) تکیه جمله بر «إِنَّا» است؛ یعنی این «ما» هستیم که بر تو حلال کردیم و این نکته‌ای که در تفاسیر عموماً از آن غفلت شده است. اما دانش جدید زبان‌شناسی به این موارد در برداشت معنا از کلام دقت می‌کند و از طریق سبک گفتار و برجسته نمودن یکی از کلمات جمله در تلفظ که به آن «تکیه جمله» گفته می‌شود، دلالت جمله را مشخص می‌نماید (نک: عکاشه، ۲۰۰۵م، صص ۴۶-۴۷).

ج) سیاق آیات ختم نبوت به صراحت تأکید می‌کند که این امور جزء رسالات الهی و پیامبر ﷺ موظف به تبلیغ آن‌هاست و در این راه نباید از کسی خشیت داشته باشد (احزاب: ۳۷ و ۳۹).

۴-۶. اعتباراً

قابلیت اعتبار به معنای سازگاری اصول پیشنهادی گفتمان با اصول بنیادین جامعه است. حتی در بحرانی‌ترین شرایط جامعه نیز همواره اصولی وجود دارد که برای اکثریت ارزشمند است و مقابله گفتمان‌ها با این اصول، موجب طرد از سوی مردم می‌شود. لذا صورت‌بندی گفتمان باید به نحوی باشد که برای اکثریت جامعه قابل فهم و درک و پذیرش باشد (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۴، ص ۲۷). در سورة احزاب در این زمینه سخنان مؤثری به شرح زیر بیان شده است:

الف) بیان نتیجه ملموس جنگ احزاب که تبعیت از پیامبر ﷺ و اعتماد به وعده او موجب پیروزی شد (احزاب: ۲۷)، از مواردی است که برای افراد جامعه مورد پذیرش است؛ زیرا آن را با چشمان خود دیده بودند و برای آن‌ها کاملاً بدیهی بود و این ماجرا می‌توانست برای آنان بهترین درس عبرت باشد.

ب) مورد دیگر نام بردن از پیامبر ﷺ به عنوان نبی خدا و با تعبیری است که کاملاً گویای جایگاه الهی اوست؛ به‌ویژه اینکه از پیامبر ﷺ در ردیف انبیای پیشین نام برده شده است که میان مردم به عنوان پیامبر الهی شناخته شده بودند (احزاب: ۷). همچنین از مؤمنان خواسته شد که از آزار پیامبر ﷺ پرهیز کنند تا همدریف با یهودیانی که حضرت موسی ﷺ را آزرده، قرار نگیرند (احزاب: ۶۹). با این بیان، حتی مؤمنان سست‌ایمان از رفتار مورد نظر نوعی حس تنفر می‌یافتند؛ زیرا یهود در مدینه به دس و نفاق و خلق اراجیف و شایعه‌پراکنی شهرت داشت (خطیب، ۱۴۲۴ق، ج ۱۱، ص ۷۵۷) و طبیعی بود که مؤمنان که از اعراب مدینه بودند، از آنان دل خوشی نداشته باشند.

ج) برجسته‌ترین مورد به عنوان تقویت‌کننده دال مرکزی گفتمان ایمان، استدلال عقلی درباره انتساب فرزندان خوانده به پدر خونی خویش است. طرح این موضوع با جمله «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ: خداوند برای هیچ مردی در درونش دو دل ننهاده است» (احزاب: ۴) آغاز شده است که بر خلاف تفاسیری که این جمله را حمل بر حقیقت کرده و داستانی نیز نقل می‌کنند (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۱۷۲)، تمهیدی برای الغای تبئی بوده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱، ص ۱۸۲). یعنی با این استدلال که دو قلب در یک سینه جای نمی‌گیرد، نتیجه‌گیری می‌کند که انسان نمی‌تواند دو پدر واقعی داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۲۷۴؛ خطیب، ۱۴۲۴ق، ج ۱۱، ص ۷۵۷).

ج ۱۱، ص ۶۴۸) و آنان باید به نام پدران خونی خوانده شوند (احزاب: ۵)؛ سپس تصریح می‌کند که خداوند فرزندخوانده را فرزند واقعی شما قرار نداده است. در ادامه نیز از مردم خواسته شده است که فرزندخوانده را به نام پدرانشان بخوانند (احزاب: ۴). روشن است که هر شنونده‌ای این سخن را معقول و منطقی می‌داند و با آن همدلی می‌کند.

نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان سورة احزاب با استفاده از برخی مؤلفه‌های نظریه لاکلا و موفه نشان می‌دهد که این سوره از سیاق کلی واحد و محور مرکزی برخوردار است. این سیاق واحد و محور مرکزی موجب انسجام متن آیات گردیده و گزاره‌های آن را بر اساس بافت موقعیت معنادار نموده است. لذا علی‌رغم تعدد و تنوع موضوعات که چه بسا در بدو امر بی‌ارتباط با هم به نظر می‌رسد، سوره غرض واحدی را دنبال می‌کند. بنا بر تحلیل به عمل آمده و طبق محتوای سوره و روایات مرتبط با آن که به عنوان بافت موقعیت ایفای نقش می‌کنند، دو گفتمان در تخصص و تقابل با هم، در تلاش برای تضعیف گفتمان مقابل و هژمونیک کردن خود هستند. دال مرکزی گفتمان نفاق و جهل، ترسیم آینده جامعه اسلامی با بهره‌گیری از سنت‌های جاهلی در تعیین جانشین است؛ در مقابل، گفتمان ایمان که از سوی خداوند پشتیبانی می‌شود، به این گفتمان واکنش نشان می‌دهد. مضامین سورة احزاب دربردارنده دال‌هایی به مرکزیت دال مرتبط با مسئله سیاسی اجتماعی رهبری آینده مسلمانان پس از پیامبر ﷺ است که با استفاده از روش‌های مختلف، ضمن کنار زدن و به حاشیه راندن گفتمان نفاق و جهل، هژمونی گفتمان ایمان را همچنان استوار نگه می‌دارد. نتیجه نهایی پژوهش این است که دال مرکزی گفتمان ایمان در سورة احزاب، همان غرض محوری سوره است که نمی‌تواند چیزی جز تثبیت مسئله خاتمیت نبوت و به تبع آن، ناممکن بودن تعیین جانشین برای پیامبر ﷺ از سوی مردم به سبب الهی بودن این جایگاه باشد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسنده بیان نشده است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظيم. مكتبة نزار مصطفى الباز.

ابن سعد، محمد (بی‌تا). الطبقات الكبرى. دار صادر.

ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). التحرير والتنوير. مؤسسة التاريخ العربي.

ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق). الاستيعاب. دارالجيل.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. دار صادر.

ابن هشام، عبدالملک (بی‌تا). السيرة النبوية. دار المعرفة.

آرمین، محسن (۱۴۰۰). تفسیر آیه ۳۷ سورة احزاب بر مبنای مطالعه انتقادی گزارش‌های تاریخی. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۹(۲)، ۱۷۵-۱۹۹.

<https://doi.org/10.30473/quran.2021.8205>

بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). التفسیر. دار إحياء التراث العربي.

حسینی حسین‌آبادی، حمیده؛ و همکاران (۱۴۰۰). تحلیل زبانی سورة احزاب با تکیه بر آوامعنائی. مشکوة، ۴۰(۱)، ۲۵-۴۰.

حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۳). نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی. فصلنامه علوم سیاسی، ۷(۲۸)، ۹۹-۱۲۰.

حکم‌آبادی، حجت‌اله؛ رئیس‌ان، غلامرضا؛ اسماعیلی‌زاده، عباس (۱۳۹۸). کشف استدلالی ساختار و غرض سورة مبارکه احزاب. کتاب قیم، ۹(۲۱)، ۷-۳۸.

حوی، سعید (۱۴۲۴ق). الأساس فی التفسیر. دار السلام.

خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ق). التفسیر القرآنی للقرآن. دار الفكر العربي.

دروزة، محمد عزة (۱۴۲۱ق). التفسیر الحديث. دار الغرب الاسلامی.

دهقانی فیرو آبادی، سیدجلال؛ و عطایی، مهدی (۱۳۹۳). گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۷(۱)، ۸۷-۱۲۰.

زمخشري، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف (مصطفی حسین احمد، مصحح). دار الكتاب العربی.
سلمانزاده، جواد؛ و نورایی، محسن (۱۴۰۲). روش به کارگیری سیاق نخست جهت کشف غرض سوره در گفتمان تدبیر؛ مطالعه موردی سوره احزاب. تفسیر پژوهی، ۱۰ (۱۹)، ۳۱۵-۳۳۷.

[HTTPS://DOI.ORG/10.22049/QURAN.2023.14614](https://doi.org/10.22049/QURAN.2023.14614)

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱ق). الإقتان فی علوم القرآن. دار الكتاب العربی.
صابر مولایی، مهدیه؛ دیاری بیدگلی، محمدتقی؛ و شاهرودی، محمدرضا (۱۴۰۲). تبیین تاریخی شخصیت و رفتار اجتماعی همسران رسول خدا (ص) (با تأکید بر قرآن کریم و بافت تاریخی صدر اسلام). مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ۲۹ (۷۴)، ۱۵۷-۱۸۱.
صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة. فرهنگ اسلامی.
طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. اعلمی.
طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. اعلمی.
طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر آی القرآن. دار المعرفة.
طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. دار إحياء التراث العربی.
عکاشه، محمود (۲۰۰۵م). التحلیل اللغوی فی ضوء علم الدلالة. دار النشر للجامعات.
علی، جواد (۱۴۲۲ق). المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام. دارالساقی.
فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م). معانی القرآن. الهيئة المصرية العامة للكتاب.
فرقانی، محمد مهدی (۱۳۸۲). راه دراز گذر. فرهنگ و اندیشه.
قاضی عیاض، ابن موسی (۱۹۸۴م). الشفاء بالتعریف حقوق المصطفی (محمد البغاوی، به کوشش) دارالكتاب العربی.
قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵). تفسیر احسن الحدیث. بنیاد بعثت.
کسری، محمدسالار؛ و پوزش شیرازی، علی (۱۳۸۸). نظریه گفتمان لاکلا و موفه، ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده های سیاسی. فصلنامه سیاست، ۳۹ (۳)، ۳۳۹-۳۶۰.

گلدتسیهر، ایگناتس (۱۳۷۴). مذاهب التفسیر الإسلامی. مکتبة الخانجی بمصر.
گورکه، آندریاس (۱۴۰۲). داستان محمد [ص] و زینب بنت جحش در منابع تاریخی و تفسیری: خاستگاه و تحولات. سیره پژوهی اهل بیت (ع)، ۹ (۱۶)، ۳۴-۵.
مارش، دیوید؛ و استوکر، جری (۱۳۷۸). روش و نظریه در علوم سیاسی (امیر محمد حاجی یوسفی، مترجم). پژوهشکده مطالعات راهبردی.
مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰). نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن. مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، ۲ (۳)، ۹۱-۱۲۴.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. دار الکتب الإسلامیة.
نصیریان، یدالله (۱۳۷۳). تحقیقی درباره تبیین و زید بن حارثه. مقالات و بررسیها، ۵۷ (۵۸-۵۹)، ۵۱-۶۹.

Hotz, Stephan (2002). *Mohammed und seine Lehre in der Darstellung abendländischer Autoren vom späten 11. bis zur Mitte des 12. Jahrhunderts*, Frankfurt am Main. Oxford, Peter Lang.

Laclau, Ernesto & Chantal Mouffe (1990). *New Reflections on the Revolution of Our Time* Verso.

Laclau, Ernesto & Mouffe, Chantal (1990). *Hegemony and Socialist Strategy*, London: Verso.

Laclau, Ernesto (1994). *The Making of Political Identities*. verso.

Giladi, Anver (2002). Family of the Prophet. *Encyclopedia of the Quran, Boston*, Brill Academic publishers. Vol. 2.

The Discursive Antagonism in Sūrat al-Aḥzāb: A Study Based on Selected Components of Laclau and Mouffe's Theory

Sayyed Jafar Sadeghi 

Assistant Professor, Department of Theology Education, Farhangiyān University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Corresponding Email: dr.sadeghi@cfu.ac.ir

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.493335.1418>

Introduction

Sūrat al-Aḥzāb addresses a wide range of issues, including rulings on adoption, the Battle of the Confederates, the campaign against Banū Qurayzah, the Prophet's (s) marital life and his wives, the admonition of the Prophet's wives, the divorce of his adopted son's wife and the Prophet's marriage to her, the verse of purification (āyat al-taḥīr), threats against the hypocrites and disbelievers, and other matters. The diversity of topics has led some to perceive the sūrah as lacking thematic coherence. Critics have, based on such diversity, described the Qur'an as a disorganized text. Furthermore, the verse concerning the Prophet's marriage to his adopted son's former wife has triggered negative judgments about the Prophet's character.

However, given the contextual and situational coherence of Qur'anic discourse, Sūrat al-Aḥzāb, like other sūrahs, possesses a central communicative purpose. This study argues that by employing components of Laclau and Mouffe's political discourse theory, particularly in relation to antagonism and discursive conflict, this coherence and purpose can be identified and demonstrated.

Methodology

This research is based on a descriptive-analytical approach, relying on library sources. Drawing upon select components of Laclau and Mouffe's discourse theory-including discursive antagonism, floating signifiers (dāl-s), nodal points (dāl markazī), and hegemonization strategies-we analyze the verses of Sūrat al-Aḥzāb accordingly. In addition to tafsīr literature, we also examine ḥadīth reports, which illuminate the situational contexts of many verses.

Findings

The content of Sūrat al-Aḥzāb reveals that two conflicting discourses confronted one another at the time of its revelation. The discourse of īmān (faith) was supported by God, the Prophet, and the true believers. Key features of this discourse included unwavering belief in divine promises and sincerity in faith. Its central signifiers were belief in the divine nature of the Prophet's mission, the special status of the Prophet's family, and the finality of prophethood-khātam al-nabiyyīn-which functions as the nodal point of this discourse.

In contrast, a competing discourse of ignorance and hypocrisy (jahl wa nifāq) emerged, represented by hypocrites and those whom the Qur'an describes as having diseased hearts. The signifiers of this discourse included: doubt and unstable belief, the diminishing of the Prophet's divine status, and portraying succession to the Prophet as hereditary. The latter functioned as the



nodal point of the anti-Prophetic discourse. This analysis is supported by both the Qur'anic text and relevant traditions.

The sūrah presents both the antagonistic actions of the nifāq discourse and the hegemonizing strategies of the īmān discourse. Drawing on Laclau and Mouffe's framework, we identify several hegemonization methods used in the sūrah:

- Exposing the hypocritical nature of the opposing discourse,
- Emphasizing the Prophet's position as God's messenger and last prophet,
- Recasting political actors: the Prophet is not the father of any man, but the Messenger and the Seal of the Prophets; his wives are mothers of the believers; Zayd is not the Prophet's son,
- Employing "accessibility strategies" to explain complex issues,
- Using "credibility strategies" to establish truth through tangible examples, such as the fulfillment of divine promises in the Battle of the Confederates.

Conclusion

Discourse analysis of Sūrat al-Aḥzāb through the lens of Laclau and Mouffe's theoretical framework reveals a coherent structure with a unified nodal point. While the sūrah appears, at first glance, to contain disparate themes, discursive analysis demonstrates that all its components serve a singular purpose.

The discourse of ignorance and hypocrisy sought to reinterpret prophethood as a human institution, invoking pre-Islamic traditions that enabled succession through hereditary means—particularly the adoption of Zayd as the Prophet's heir. Since the Prophet had no biological sons, this view cast Zayd as a potential successor.

Sūrat al-Aḥzāb counters this narrative through strategic hegemonization, clarifying the Prophet's status as the final messenger of God and negating the possibility of hereditary prophethood. The central meaning of the sūrah thus lies in affirming the Prophet's khātamiyyah (finality of prophethood) and the non-hereditary, divine basis of succession.

Keywords

Qur'an, Sūrat al-Aḥzāb, Discourse Analysis, Laclau and Mouffe, Nodal Point.

Author contributions

ADS: Writing -original draft, Writing -review & editing.

Conflict of interest

The author affirms that this research was conducted without any commercial or financial affiliations that could be interpreted as a potential conflict of interest.

Publisher's note

All claims expressed in this article are solely those of the authors and do not necessarily represent those of their affiliated organizations, or those of the publisher, the editors, and the reviewers. Any product that may be evaluated in this article, or claim that may be made by its manufacturer, is not guaranteed or endorsed by the publisher.

References

- The Qur'ān. [In Arabic]
- ‘Akāshah, M. (2005). *al-Taḥlīl al-Lughawī fī Daw’ ‘Ilm al-Dalālah*. University Publishing. [In Arabic]
- Armin, M. (2021). “Interpretation of Q 33:37 Based on a Critical Review of Historical Reports.” *Qur’an Interpretation and Language Studies*, 9(2), 175–199. <https://doi.org/10.30473/quran.2021.8205> [In Persian]
- Darwazah, M. ‘. (2000). *al-Tafsīr al-Ḥadīth*. Dār al-Gharb al-Islāmī. [In Arabic]
- Dehghānī Fīrūābādī, S. J., & ‘Atā’ī, M. (2014). “The Core Discourse of Iran's Eleventh Administration.” *Strategic Studies*, 17(1), 87–120. [In Persian]
- Farrā’, Y. b. Z. (1980). *Ma’ānī al-Qur’ān*. Egyptian General Book Organization. [In Arabic]
- Goldziher, I. (1995). *Madhāhib al-Tafsīr al-Islāmī*. Maktabat al-Khānjī. [In Arabic]
- Giladi, A. (2002). “Family of the Prophet.” *Encyclopedia of the Qur’ān*, vol. 2. Brill.
- Görke, A. (2023). “The Story of Muhammad and Zaynab bint Jahsh in Historical and Exegetical Sources: Origins and Developments.” *Sirah Studies of the Ahl al-Bayt*, 9(16), 5–34. [In Persian]
- Hasanī Husaynābādī, H., et al. (2021). “Phonosemantic Analysis of Sūrat al-Ahzāb.” *Meshkāt*, 40(1), 4–25. [In Persian]
- Hokmābādī, H.-A., Ra’īsīyān, G., & Esmā’īlīzādeh, ‘A. (2019). “A Reasoned Discovery of the Structure and Purpose of Sūrat al-Ahzāb.” *Ketāb-e Qayyim*, 9(21), 7–38. [In Persian]
- Hotz, S. (2002). *Mohammed und seine Lehre*. Peter Lang. [In German]
- Husaynīzādeh, M.-‘A. (2004). “Discourse Theory and Political Analysis.” *Political Sciences Quarterly*, 7(28), 99–120. [In Persian]
- Ibn ‘Abd al-Barr, Y. b. ‘A. (1991). *al-Istī‘āb*. Dār al-Jīl. [In Arabic]
- Ibn ‘Ashūr, M. Ṭ. (1999). *al-Taḥrīr wa al-Tanwīr*. Mu’assasat al-Tārīkh al-‘Arabī. [In Arabic]
- Ibn Abī Ḥātim, ‘A. b. M. (1999). *Tafsīr al-Qur’ān al-‘Azīm*. Maktabat Nizār Muṣṭafā al-Bāz. [In Arabic]
- Ibn Hishām, ‘A. al-M. (n.d.). *al-Sīrah al-Nabawīyyah*. Dār al-Ma’rifah. [In Arabic]
- Ibn Manzūr, M. b. M. (1993). *Lisān al-‘Arab*. Dār Ṣādir. [In Arabic]
- Ibn Sa’d, M. (n.d.). *al-Ṭabaqāt al-Kubrā*. Dār Ṣādir. [In Arabic]
- Kasarāyī, M.-S., & Pūzesh Shīrāzī, ‘A. (2009). “Laclau and Mouffe's Discourse Theory as a Tool in Understanding Political Phenomena.” *Politics Quarterly*, 39(3), 339–360. [In Persian]
- Khaṭīb, ‘A.-K. (2003). *al-Tafsīr al-Qur’ānī li-l-Qur’ān*. Dār al-Fikr al-‘Arabī. [In Arabic]
- Jørgensen, M., & Phillips, L. (2008). *Discourse Analysis: Theory and Method* (trans. Hādī Jalīlī). Nashr-e Ney. [In Persian]
- Laclau, E. (1994). *The Making of Political Identities*. Verso.
- Laclau, E., & Mouffe, C. (1990). *New Reflections on the Revolution of Our Time*. Verso.
- Laclau, E., & Mouffe, C. (1990). *Hegemony and Socialist Strategy*. Verso.
- Makāram Shīrāzī, N. (1992). *Tafsīr-i Namūneh*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah. [In Persian]
- Marsh, D., & Stoker, G. (1999). *Theory and Methods in Political Science* (trans. Amīr Moḥammad Ḥājī-Yūsefī). Strategic Research Institute. [In Persian]
- Moqaddamī, M.-T. (2011). “Laclau and Mouffe’s Discourse Theory and Its Critique.” *Cultural and Social Knowledge Journal*, 2(3), 91–124. [In Persian]
- Muqāṭil b. Sulaymān (2002). *al-Tafsīr*. Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī. [In Arabic]
- Naṣīrīān, Y. (1994). “A Study on the Adoption of Zayd b. Ḥārithah.” *Articles and Reviews*, 0(57–58), 51–69. [In Persian]

- Qāḍī 'Iyād, I. M. (1984). *al-Shifā' bi-Ta'rīf Huqūq al-Muṣṭafā* (ed. Muḥammad al-Bughāwī). Dār al-Kitāb al-'Arabī. [In Arabic]
- Qurashī, 'A. A. (1996). *Tafsīr-i Aḥsan al-Ḥadīth*. Ba'that Foundation. [In Persian]
- Salmanzādeh, J., & Nūrā'ī, M. (2023). "Using the First Context to Discover the Purpose of the Sūrah: A Case Study of Sūrat al-Aḥzāb." *Tafsīrpazhūhī*, 10(19), 315–337. <https://doi.org/10.22049/quran.2023.14614> [In Persian]
- Sāber Mūlā'ī, M., Dīyārī Bīdgolī, M.-T., & Shāhroudi, M.-R. (2023). "A Historical Explanation of the Social Role of the Prophet's Wives." *Historical Studies in Quran and Hadith*, 29(74), 157–181. [In Persian]
- Ṣādiqī Tehrānī, M. (1986). *al-Furqān fī Tafsīr al-Qur'ān bi-l-Qur'ān wa al-Sunnah*. Farhang-e Islāmī. [In Arabic]
- Suyūṭī, 'A. b. A. B. (1984). *al-Durr al-Manthūr fī al-Tafsīr bi-l-Ma'thūr*. Mar'ashī Najafī Library. [In Arabic]
- Suyūṭī, 'A. b. A. B. (2001). *al-Itqān fī 'Ulūm al-Qur'ān*. Dār al-Kitāb al-'Arabī. [In Arabic]
- Ṭabāṭabā'ī, S. M. Ḥ. (1970). *al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Mu'assasat al-A'lamī. [In Arabic]
- Ṭabarī, M. b. J. (1992). *Jāmi' al-Bayān fī Tafsīr Āy al-Qur'ān*. Dār al-Ma'rifah. [In Arabic]
- Ṭabarsī, F. b. Ḥ. (1993). *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Mu'assasat al-A'lamī. [In Arabic]
- Ṭūsī, M. b. al-Ḥ. (n.d.). *al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
- Zamakhsharī, M. b. 'U. (1987). *al-Kashshāf* (ed. Muṣṭafā Ḥusayn Aḥmad). Dār al-Kitāb al-'Arabī. [In Arabic]

How to cite:

Sadeghi ., Sayyed Jafar. (2025). The Discursive Antagonism in Sūrat al-Aḥzāb: A Study Based on Selected Components of Laclau and Mouffe's Theory. *Quran, Culture And Civilization* , 6 (2), 47-64. <http://doi.org/10.22034/jksl.2025.493335.1418>